

شکایت از جلادان دهه ۶۰ کلید خورد

«فرهیختگان» به بهانه شکایت خانواده شهدای ترور، پرونده جنایات منافقین را باز کرد، امروز بخشی از اسناد را بازخوانی کردیم»



عکس: آرمن کریمی/فارس

معاون علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی در نشست خبری اعلام کرد

**جزئیات نحوه ساخت
وامکانات بیمارستان
فرهیختگان**

۱۲»



بنفشه مصنوعی

فیلم سینمایی «بنفشه آفریقایی» با مضمونی غیراخلاقی هم عرف مشروع جامعه را زیر پا گذاشته هم یک شکست سینمایی تمام عیار است

۱۱»



شهادت حضرت زهرا(را) به مجرای اهل بیت تسلیم می‌گوییم

شماره بعدی: فرهیختگان ۲۲ بهمن منتشر می‌شود

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران

صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه

۶۰۰ تومان

شماره مسلسل ۳۴۱

پنجشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۷

اول جمادی الثانی ۱۴۴۰

۷ فوریه ۲۰۱۹

شماره ۳-۲۷

www.Fdn.ir

2703

16 Pages

سعید روستایی

در «متری شیش و نیم» یا همان
«ابد و یک روز ۲» قاچاقچی را در جابگاه
مصلح اجتماعی می‌نشانند

مصلح اشتباهی

۱۲»

یادداشت

غرب آسیا؛ اگر انقلاب اسلامی ایران نبود؟



محمد مهدی رحیمی

روزنامه‌نگار

را بیش از پیش، به بند اسارت بکشاند. در چنین شرایطی، انقلابی به پیروزی رسید که شعار کلیدی اش نفی وابستگی به شرق و غرب بود. همه طبقات مردم در تحقق آن نقش داشتند و رهبری اش برعهده یک مرجع دینی بود که سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب این گونه نسبت به تاسیس رژیم نامشروع اسرائیل واکنش نشان داده بود: «اینجانب حسب وظیفه شرعیه به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است.»

اکنون بهتر می‌شود فهمید که چرا در بهمن ۵۷، ملت‌ها انگیزه گرفتند و قدرت‌ها عصبانی و مأیوس شدند، اما این پایان ماجرا نبود. آنها که دست‌شان از ایران کوتاه شده بود خیلی زود فهمیدند انقلاب اسلامی، پیامی جهانی دارد و ایده رهبرانش برای صدور انقلاب، در دل ملت‌های مستضعف و تحت ستم جهان، کورسوی امید را روشن کرده و برای آزادی‌خواهان از مسلمان و حتی غیرمسلمان الگو شده و اگر دی‌بجنیند، از خاکریزهای بیشتری باید عقب بنشینند.

همه آنچه که در طول این چهار دهه، منطقه غرب آسیا شاهد آن بوده، تقابل همین دو گفتمان است؛ منطقه‌ای که تکیه‌اش بر ملت‌هاست و برای بیداری آنها در پرتو آموزه‌های دین‌شان اسلام، تلاش می‌کند و تفکری وارداتی که با میدان‌داری حکام دست‌نشانده‌اش که عبد دلیل و نوکر غرب شده‌اند، به دنبال ایجاد نظمی نوین است. روزی از خاورمیانه بزرگ سخن می‌گویند و دیگر بار از خاورمیانه جدید، یک روز به اسم مبارزه با تروریسم، گروه‌های تروریستی تاسیس می‌کنند و روزی دیگر به اسم آزادی، همان نوکران دست‌نشانده را سرنگون می‌کند و کشوری مستقل را به اسارت سربازان اعزامی از اروپا و آمریکا درمی‌آورد! این نقشه‌کشی‌ها و لشکرکشی‌ها اما جملگی از واقعیتی واحد حکایت دارند؛ «قدرت‌های بزرگ امروز در منطقه غرب آسیا زمین گیر شده‌اند.»

آنها که ۷۰ سال پیش با تطمیع، تهدید و توهین بذر رژیمی جعلی را در خاک مقدس فلسطین نشاندهند تا در سایه‌سار درخت روئیده از آن، از نهر تا بحر را به تصرف ایده‌های استعماری و استکباری خود دریاورند، امروز مجبور شده‌اند دورتادور خود را دیوار بکشند تا از گزند مجاهدان تربیت‌یافته در پرتو تلاولوی انقلاب اسلامی در امان باشند و آن زمان که یکی از رهبران این مجاهدان افتخار خود را عضویت در حزب ولایت فقیه می‌داند و از برنامه‌هایشان برای نابودی این رژیم کودک کش می‌گوید، بلادرنگ بر ارتفاع دیوار خودساخته می‌افزاید تا شاید چند صباحی بیشتر به اشغالگری شان ادامه دهند.

نظری ولو گذرا بر تحولات چهار دهه گذشته نشان می‌دهد آنها که «می‌خواستند تمام این منطقه بشود پاندا از رژیم صهیونیستی» به اعتراف خودشان حداقل در قرن ۲۱ هفت تریلیون دلار هزینه کرده‌اند و چیزی دست‌شان نیامده است و «امروز دشمن عصبانی است که چرا ایران در منطقه قدرت دارد.» نگاهی بر شکست متوالی ارتش‌های عربی با کوله‌باری از ادعا و امکانات در برابر رژیم صهیونیستی و مقایسه آن با توفیقات محور مقاومت در ۴۰ سال گذشته، به عیان اهمیت انقلاب ایران و نقش آفرینی آن در تغییر طراحی‌های دشمنان برای فلسطین به‌عنوان مساله اول جهان اسلام را نشان می‌دهد. گزافه نیست که گفته شود اگر در بهمن ۵۷، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی نمی‌رسید و در پی آن جمهوری اسلامی که اعلام می‌کند «هرجا مظلومی هست و نصرتی لازم است، ما آنجا حاضریم» تاسیس نمی‌شد، از قیله اول مسلمین جز تاریخی پر از تاسف چیزی باقی نمانده و اسرائیل بر منطقه حاکم شده بود.

امروز در پرتو نگاه توحیدی انقلاب اسلامی که ظلم ظالم را نمی‌پذیرد و تکلیف خود را حمایت از مظلوم می‌داند، بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا فراگیر شده و دشمنان در ضعیف‌ترین شرایط خود، برای به تعویق انداختن نابودی شان دست و پا می‌زنند.

یادداشت

بنفشه مصنوعی



میلاد جلیل‌زاده

روزنامه‌نگار

زیر پا گذاشتن هنجارهای اجتماعی بدون فرارو گذاشتن نسخه‌های متعالی‌تر، یک نوع تخلف است اما جعل و تحریف آنها درحقیقت کودتای فرهنگی به حساب می‌آید. مشکل اصلی از جایی شروع خواهد شد که تعریف ارزش‌ها و هنجارها در جامعه آسیب‌بیند. ممکن است خیلی‌ها دروغ‌گویند اما لااقل قبول دارند که دروغ گفتن کار بدی است. امکان دارد خیلی‌ها حقوق دیگران را به انحای مختلف زیر پا بگذارند اما لااقل حترمی شده‌ریا کارانه، معترف هستند که این کار بد است. اما اگر تعریف ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عوض شود و کسی خجالت نکشد یا از اینکه دروغ می‌گوید احساس بدی به او دست ندهد، خودخواه است، حقوق دیگران را رعایت نمی‌کند و... دیگر وای به حال جامعه. از روزی که «بنفشه آفریقایی» در جشنواره فیلم فجر اکران شد، اعتراض‌ها به مضمون غیراخلاقی آن بارها بسامد پیدا کرد؛ اما کارگردان فیلم چنین موضعی را عجب‌ماندگی و دگماتیسم لقب داد و یک قدم هم از حرفی که زده بود، عقب ننشست. «شکو» زنی است که از همسر سابقش فریدون ۲۵ سال کوچک‌تر بوده. شکورافاطمه معتمدآریا و فریدون را رضا بابک بازی می‌کنند و این ترکیب، ممکن است مخاطبان را یاد سریال قدیمی «آرایشگاه زیبا» و فضای انسانی و خانوادگی آن بپندازد. اما قبل از شروع بصری روایت فیلم، رضا بابک (با بازی سعیدآقاخانی) که دوست فریدون بوده، عاشق همسر رفیقش شده و باعث می‌شود این دو نفر از هم جدا شوند. سپس شکور فریدون را راه می‌کند و همسر رضا می‌شود. حالا فیلم از جایی شروع می‌شود که شکو، فریدون را از آسایشگاه سالمندان به خانه می‌آورد تا از او نگهداری کند. رضا و فریدون و شکور خانه دور هم به‌خوبی و خوشی زندگی می‌کنند. حتی فریدون زیر

باران لحظات عاشقانه‌ای را با شکو رقم می‌زند و رضا ایستاده و خیلی عادی آنها را نگاه می‌کند و یکی دو جا هم در بحث‌ها می‌پرد و طرف فریدون را می‌گیرد. «بنفشه آفریقایی» طوری فضاسازی کرده که انگار شکو دو همسر دارد و خود مونا زندگی حقیقی با صراحت می‌گوید شکو خود اوست و چیزی که از این خانه و مردهای آن نشان داده، ایده‌آلی است که از کاراکتر مرد در ذهن دارد. این یعنی همان لحظه‌ای که افراد نه تنها به سمت خیانت می‌روند، بلکه دیگر درمورد کارشان عبارت خیانت را هم قبول ندارند و هر نوع حساسیتی از طرف کسی که شریک زندگی آنهاست، دگم و عقب‌ماندگی و تلخی اسم می‌گیرد. خانم زندگی حقیقی به هیچ‌وجه کوتاه نیامد. ما با او گفت‌وگو هم کردیم و وقتی نظرش را درباره غیرت پرسیدیم، پاسخی نشنیدیم که حتی احترام‌پریش کننده را حفظ کرده باشد. او گفت رضای غیرت نیست؛ بلکه باشعور است و کسانی را که از کار چنین مردی ایراد می‌گیرند دعوت به این کرد که در پابندی کامل به مفهوم عرف تجدیدنظر کنند. تصویری که مونا زندگی حقیقی به‌عنوان ایده‌آل خودش از یک مرد نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر سینمای ایران بی‌سابقه نیست، اما این بار چنان واضح و بی‌پرده به نمایش درآمده که کار منتقدان آن را راحت‌تر کرده است؛ اما پس از فرستاده شدن هنجارها به قتلگاه نسبیّت. دومین قدمی که فیلم «بنفشه آفریقایی» برمی‌دارد، ادعای اصالت است. خانم زندگی حقیقی می‌گوید شکو یک زن اصل ایرانی است و مکانی که برای روایت قصه انتخاب شده، یعنی یک روستای صمیمی در شمال کشور و رنگ‌بندی و طراحی صحنه هم در جهت القای همین اصالت ایرانی قرار می‌گیرند. شاید بهتر باشد خانم زندگی حقیقی روی تاکید بر همان نکته که شکو خود ایشان است، باقی بمانند و سعی نکنند دایره شمول مصادیق فیلم‌شان را به حیثیت و اصالت فرهنگ ایرانی بکشانند؛ آن‌ها در حالی که از طرف دیگر خودشان هم درباره مفهوم فیلم، حرف‌های ساختارشکنانه‌ای زدند.

آن زن روستایی ۶۰ ساله‌ای که گوشه آیفون دارد و به هر بهانه‌ای با آرایش غلیظ می‌رود تا دیگر رنگ را در حیاط رویایی و باصفاي خانه‌شان هم بزند، یک زن روستایی واقعی نیست، بلکه معنای همان تابلوهایی است که از روستا روی هزاران دیوار در مناطق مرفه‌نشین شهری دنیا نصب شده‌اند. «بنفشه آفریقایی» یکی از آن تابلوهاست که چون تبدیل به فیلم شده و لب به سخن باز کرده، این فاصله عمیق بین معنای واقعی روستا با تصورات کارت‌پستالی از آن را به عیان‌ترین شکل ممکن نشان می‌دهد. آنچه در «بنفشه آفریقایی» دیده می‌شود، اگرچه شهر نیست، قطعا روستا هم نیست. این ایده‌آل یک زن میانسال و متعلق به یک طیف فکری خاص است که حالا مهم نیست شهری است یا روستایی، چون نه ایرانی است نه متعلق به فرهنگی دیگر. آنچه در «بنفشه آفریقایی» دیده می‌شود، نه تنها اصالت ندارد، بلکه واقعی هم نیست و صرفا ایده‌آل سازنده فیلم است. میزانسن‌های بارانی و رمانتیک به‌اضافه گلدان‌های رنگ‌به‌رنگ و رنگ‌بازی با نخ‌های قالی، بخشی از این ایده‌آل است و بخش دیگر کنار هم قرار گرفتن بی‌دردرس یک مثلث عشقی؛ اما یک زن واقعی روستا قطعا نه تنها مردی مثل رضا برایش ایده‌آل نیست، بلکه به‌دلیل بی‌غیرتی، او را جلدی نمی‌گیرد. تعریف آن تابلوهای نقاشی از زیبایی و آرامش و اصالت با آنچه در واقعیت روستا وجود دارد، از زمین تا آسمان متفاوت است. مونا زندگی حقیقی که در آستانه ۵۰ سالگی «بنفشه آفریقایی» را ساخته، قبلا و در فضای پسا هشتاد و هشتی، از آن دسته سینماگرانی بود که اعتقاد داشت سینما نباید نسبت به مسائل اجتماعی دور و بری تفاوت باشد؛ اما حالا که دولت دیگری روی کار است، او می‌گوید خشونت‌های داستانی و غرزدن و نقادی در جامعه دیگر زیادی شده‌اند و دلش می‌خواهد یک فضای رنگ‌آمیزی شده زیبا و آرام و اصیل را نمایش دهد و فیلم او به عبارتی جعل مفاهیم زیبا و آرام و اصالت است.

صدای نخبگان، نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
WWW.FDN.IR
روزنامه فرهیختگان

@farhikhtegandaily

فرهیختگان